



۲۰۱۵/۰۲/۰۵

جلیل غنی

استدلال چوبین پای کریم خرم

عبدالکریم خرم رئیس دفتر حامد کرزی رئیس جمهور سابق در مقاله ای تحت عنوان «ما چرا قرار داد دو جانبه امنیتی را امضاء نکردیم؟» تقلا نموده آقای کرزی و تیم او را برای امضاء نکردن قرار داد دو جانبه امنیتی با ایالات متحده با استدلال چوبین پای خویش تیرنه کند که تلاش بی نتیجه با استدلال بی پایه بی بیش نیست.

قبل از اینکه این دلایل واهی آقای خرم بررسی گردد بهتر است اندکی به عقب بنگریم و جریان را بطور مختصر یاد آور شویم تا ذهن آقای خرم و سایر خرمی ها روشن گردد. بعد از آنکه معاهده همکاری های دراز مدت ستراتیژیک بین ایالات متحده آمریکا و افغانستان ساعت سه سحرگاهان دوم می ۲۰۱۲ بین حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده در قصر حرمسرای ارگ کابل امضاء گردید، قرار بر این شد که قرارداد امنیتی بطور جداگانه مبتنی بر این معاهده مورد بحث قرار گیرد که مدت یک و نیم سال را در بر گرفت تا جانبین روی این قرار داد به توافق رسیدند و به قول آقای خرم آقای کرزی «این قرار داد را با دقت از نظر گذرانید، بر سر هر جمله آن چانه زد». قدم بعدی دایر نمودن لویه جرگه مشورتی بود و آقای کرزی و تیم او، به شمول آقای خرم، با دقت اعضای آنرا انتخاب نمودند تا گر بشود توسط نمایندگان مردم آنرا رد نمایند ولی نتیجه مخالف میل آنها بود و طوریکه دیدیم اعضای لویه جرگه مشورتی با درک عمیق از اوضاع داخلی و منطقه و منافع ملی افغانستان به اتفاق آراء آنرا روز یکشنبه بیست و چهارم نومبر سال ۲۰۱۳ میلادی مورد تأیید قرار داده و سفارش کردند که طی دو هفته آقای کرزی آنرا امضاء کند ولی درین هنگام بود که آقای کرزی با عصبانیت کامل بدون رعایت نوبت و پروتوکول جلسه، به پشت میز خطابه جهید و اعلام داشت که آنرا امضاء نمی کند و پیش شرط های تازه و غیر عملی بر آن وضع کرد و افزود که این قرار داد را حکومت آینده امضاء کند. بر خورد حضرت صیغت الله مجددی رئیس لویه جرگه مشورتی را با آقای کرزی درین لحظه همه به خاطر خواهند داشت.

این قلم در همان روز (۲۰۱۳/۱۱/۲۴) مقاله ای تحت عنوان «بهانه جوئی ها و یا چانه زنی ها و قرار داد امنیتی» نگاشتم که در پورتال وزین افغان جرمن آنلین اقبال چاپ یافت و در آرشیف نویسندگان موجود است. ولی چرا آقای کرزی و تیم او که مدت یک و نیم سال روی هر کلمه «چانه زدند» بعد از اینکه رأی نمایندگان مردم را هم گرفتند از امضای این قرارداد ابا ورزیدند؟ دلایل زیادی می تواند حدس زده شود:

- ۱- ناخشنودی شخصی آقای کرزی از دیموکرات های بر سر اقتدار در قصر سفید.
- ۲- فشار کشورهای همسایه مخصوصاً ایران و پاکستان که مخالفت آشکار و رسمی شانرا با امضای این قرار داد به تکرار ابراز داشتند. مخصوصاً ایران که سفیر آنکشور در کابل از مشرانو جرگه در زمان بحث بر معاهده همکاری های دراز مدت ستراتیژیک بین افغانستان و ایالات متحده خواست که این معاهده را رد کند که مداخله مستقیم در امور داخلی افغانستان بود. و پاکستان هم امضای این موافقتنامه را خطری به مناسباتش با ایالات متحده و باختن موقف منطقی اش تلقی می کند.
- ۳- ارتباطات قبلی آقای کرزی با طالبان که به قول خودش در زمان حاکمیت شان می خواستند که آقای کرزی را به حیث نماینده شان در ملل متحد بگمارند.
- ۴- تعلقات قومی و عشیره ای با طالبان. چنانچه برای هشتاد بار آقای کرزی با تضرع از طالبان و پاکستان، حامی آنها، تقاضای مذاکره نمود ولی هر بار این اشک ریزی ها و زاری های او از طرف «برادران طالب» به تمسخر گرفته شد و جواب رد شنید.
- ۵- امتیاز گیری سیاسی برای خود و برادرانش در آینده سیاسی افغانستان با در نظر داشت انتخابات ریاست جمهوری پیش رو.
- ۶- فشار تیم مشورتی آقای کرزی در ارگ و ارتباط تعدادی از آنها با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و طالبان. اینها فقط چند دلیل از دلایلی بوده می تواند که مانع امضای قرارداد دو جانبه امنیتی با ایالات متحده توسط آقای کرزی می گردد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آقای خرم از ایجاد جنجال های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ نیز یاد آور می شود و ایالات متحده را مسؤول آن می داند ولی نمی گوید که درین انتخابات بود که بیش از یک میلیون رأی تقلبی به نفع آقای کرزی به صندوق ها ریخته شده و من خود شاهد آن بودم که تنها از یک صندوق یک کتابچه اوراق رأی دهی فقط با یک قلم توش آبی رنگ بنام آقای کرزی علامه گذاری شده بود. و یکی از سیاستمداران نامی امریکا قبولاند که عبدالله عبدالله منصرف شود و آقای کرزی رئیس جمهور گردد.

آقای خرم درین مقاله سعی دارد و استدلال می کند که امریکا برای توجیه حضور خود در افغانستان طالبان را تقویت نمود و جنگ را دوامدار ساخت و بدین ترتیب سعی دارد پاکستان را نیز بیگناه جلوه دهد و همه مسؤولیت ها را بدوش امریکا و غرب بیندازد، ستراتیژی ای که طی سی سال گذشته پاکستان تعقیب کرده است. جناب خرم آیا این امریکا بود که طالبان را تقویه کرد یا حکومت آقای کرزی که طی شش ماه پیش از ششصد جنگجوی طالب را که قاتلان اردی ملی، پولیس ملی، مردم بیگناه و ملکی افغان اعم از زن و مرد و کودک و افراد قوای بین المللی بودند از زندان بگرام آزاد نمود و در حدود چهار صد و پنجاه طالب زندانی دیگر را عمال آقای کرزی از زندان قندهار فرار دادند و اکثریت آنها دوباره به صفوف طالبان پیوستند و جنگ را شدت بخشیدند.

استدلال دیگر آقای خرم اینست که امریکا کوشش دارد تا برای صدور جنگجویان به آسیای میانه «وزیرستانی» در افغانستان ایجاد و از آنجا عملیات نماید. مثل اینکه آقای خرم را یاد فراموشی گرفته است و تعهداتی را که ایالات متحده و افغانستان در موافقتنامه امنیتی بین دو کشور نمودند با وصف آنکه مشترکاً با آقای کرزی «بر سر هر جمله آن چانه زدند» فراموش کرده اند. برای روشن ساختن موضوع به این پاراگراف در مقدمه این قرار داد که دلایل امضای آنرا توجیه و بر تعهد دو جانب بر اساسات و مفاد این قرار داد تأکید می نماید می خوانیم:

با علاقه مندی بر ادامه تحکیم همکاری های نزدیک دفاعی و امنیتی به منظور تقویت امنیت و ثبات در افغانستان، سهم گیری در صلح و ثبات منطقوی و جهانی، مبارزه با تروریسم، دست یابی به منطقه ای که دیگر پناهگاه امن برای القاعده و گروه های وابسته به آن نباشد و افزایش توانمندی افغانستان برای دفع تهدیدات علیه حاکمیت ملی، امنیت و تمامیت ارضی اش و با در نظر داشت اینکه ایالات متحده در پی دستیابی به تأسیسات دائمی نظامی در افغانستان نبوده و خواهان حضوری نیست که تهدیدی برای همسایگان افغانستان باشد؛ و همچنان با در نظر داشت تعهد ایالات متحده مبنی بر اینکه از قلمرو افغانستان و یا از تأسیسات اش در این کشور به هدف راه اندازی حملات علیه کشورهای دیگر استفاده نمی کند.»

همچنان ماده دوم قرار داد دو جانبه امنیتی حکم میکند:

ماده دوم

مقاصد و ابعاد

«طرفین برای تقویت امنیت و ثبات در افغانستان، مبارزه با تروریسم، سهم گیری در صلح و ثبات منطقوی و بین المللی و ارتقای توانمندی افغانستان برای دفع تهدیدات داخلی و خارجی علیه حاکمیت، امنیت، تمامیت ارضی، وحدت ملی و نظام مبتنی بر قانون اساسی این کشور، به تقویت همکاری های نزدیک با یکدیگر ادامه میدهند.»

جناب آقای خرم چگونه امکان دارد که امریکا بر همه این تعهدات پشت پا بزند و حیثیت و اعتبار بین المللی خود را قربانی توطئه نماید که شما تصور آنرا برای تبرئه خود و تیم آقای کرزی ترسیم می کنید درین زمینه قلم بدستان دیگری هم نظر شانرا ابراز داشته و این فرضیه را نا وارد ثابت ساخته اند.

درین که تعدادی از طالبان از پاکستان به افغانستان فرار کرده اند جای شکی نیست که مایه نگرانی هست ولی پای طالبان پاکستانی را به افغانستان و جا بجا ساختن آنها را در کنر تیم آقای کرزی باز نمود. شما شاید بهتر به خاطر داشته باشید، و گزارش های منابع بین المللی هم تائید کرده اند، که ملا فضل الله رهبر طالبان پاکستان از مدت سه سال به این طرف درکنر جای داده شدند و پایگاه و مرکز آموزشی شانرا تأسیس کرده اند روی همین دلیل بود که در زمان حکومت آقای کرزی بار ها این منطقه مورد راکت باران های قوای پاکستان از آنطرف خط دیورند قرار گرفت و حکومت آقای کرزی بعد از وارد کردن فشار های داخلی بدون کدام اقدام مؤثر و یا بالمثل فقط این راکت باران ها را تقبیح کرد و هیأت های گویا برای دریافت حقایق هم فرستاد اما مثل همه تحقیقات دیگر چنین هیأت ها دریافت ها در قفسه های میز آقای کرزی زندانی شد. حمله اخیر دهشت افغانان پاکستانی بر مکتبی در پیشاور و قتل کودکان بیگناه، که شما هم از آن یاد نمودید و فردای آن راحل شریف لوی درستیز و همچنان رئیس آی. اس. آی. پاکستان به کابل سفر نمودند، هدف این سفر آن بود تا که حکومت کابل برای جلوگیری از چنین عملیات از خاک افغانستان اقدام نماید چنانچه چند روز بعد از آن پنج دهشت افگنی که درین حمله بر مکتب پیشاور دست داشتند توسط قوای

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

امنیتی افغان دستگیر و به پاکستان تسلیم داده شدند. این فقط نمونه ای از اقدامات حکومت آقای کرزی برای «وزیرستان ساختن» مناطقی از افغانستان به قول شماس است.

حافظه ملت ها مثل بعضی ها ضعیف نیست آقای خرم. همه ما شاهد هستیم که پاکستان با تشکیل دادن تنظیم های اسلامی در دوران حکومت کودتای کمونیستی کابل و متعاقب آن تجاوز قشون سرخ بر افغانستان، نقش کلیدی داشت و بعداً هم که تنظیم ها بعد از سقوط حکومت نجیب الله به جان هم افتادند و افغانستان به یک جنگ داخلی ویرانگر سقوط نمود در تشکیل دادن طالبان و اعزام آنها به افغانستان عمده ترین نقش را بازی کرد. کارت اسلامی سازی و نظام مصطفی را که پاکستان با آغاز حکومت ضیاءالحق بازی نمود و آنرا به افغانستان نیز صادر کرد، عاقبت دامن خود پاکستان را گرفت. همان طوری که افغانستان قربانی دهشت افگنی است امروز مردم پاکستان هم قربانی این سیاست های نادرست حکومت شان هستند. در سالی که گذشت سی هزار نفر در پاکستان قربانی حملات دهشت افگان شدند و روزی نیست که این قربانی دادن ها ادامه نداشته باشد و نه تنها در پاکستان بلکه در هر نقطه ای از جهان که یک عمل دهشت افگنی صورت می گیرد رد پای آن به پاکستان می رسد و امروز پاکستان به حیث مرکز تربیه، تولید و صدور دهشت افگنی در منطقه و جهان شناخته شده است.

مردم افغانستان و حکومت وحدت ملی بدون شک نخواهند گذاشت وزیرستان دیگری در افغانستان ساخته شود و مرکزیت دهشت افگنی از پاکستان به افغانستان انتقال کند. گر چه این فرضیه ها شنیده می شود که چنین امری به نفع افغانستان خواهد بود ولی اگر نگاه عمیقتر به اوضاع افغانستان، پاکستان، منطقه و عراق و سوریه انداخته شود نفعی که این کشور ها از تقویه دهشت افگنی و صادر نمودن تندروی و دهشت گرفته اند چیست؟ جز ویرانی و بی اعتباری بین المللی و شرمساری آیا کدام امتیازی هم بدست آورده اند؟ استفاده مادی از چنین وضعی تنها به نفع سود جویان نیست که تیکه داران سیاسی هستند و جز تباهی به ملت و ثروت های مادی و معنوی ملت ها چیز دیگری به ارمغان نخواهد آورد.

یقین کامل است که ملت با شهادت افغان و حکومت وحدت ملی برای جلوگیری از نفوذ تند روی و دهشت افگنی و انتقال دهشت افگان به افغانستان اقداماتی خواهند کرد و همین اکنون نگرانی های مقام های دولتی و آگاهان سیاسی و نظامی شنیده می شود.

پایان